

کتاب تعصب، ماهیت و پیامد های آن

قسمت ششم

فصل دوم

به ادامه متعصب کیست؟

متعصبین در تمام گروه های اجتماعی، سیاسی، مذهبی یکسان عمل میکنند. همه متعصبین از همه گروه ها یک آیین مشترک دارند و آن عبارت است از تعصب. تعصب و افکار متعصبانه بیشتر از گروه بندی های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، نژادی و جنسیتی سرچشمه میگردد. به اطفال ونو جوانان در همان سنین آغازین زندگی شان تلقین میگردد که آنها شاملین این گروهبندی اجتماعی، نژادی، مذهبی و یا جنسیتی اند و بهترین اند. که بصورت اتوماتیک گروهبندی های دیگر غیر خودی گردیده و خوب نمی باشند و دشمن اند، که این مرحله نخستین مرحله غیر آگاهانه القأ تعصب شمرده میشود. بقول گوردون آلپورت Gordon Willard Allport ۱۸۹۸ - ۱۹۶۷ روانشناس امریکایی، کودکان تعصب را از تعصب، خشک اندیشی و بد بینی های والدین و اعضای خانواده فرا میگیرند. به قول این روانشناس: تحقیقات نشان داده است که تمام دوران کودکی طول می کشد تا تعصب و نظرات منفی و مضرو ستیز گر تقویت شود. این بدان معناست که برای کودکانی که در محیط های تعصب آمیز بزرگ می شوند، امیدی وجود دارد، اما تنها در صورتی که قبل از این که این تعصبات به وجود بیایند، دیدگاه های جایگزین ارائه شود. متعصبان، ایدئولوگ ها و مطلق گرایان بزرگترین آفت بشریت هستند. چه رهبران باشند و چه پیروان، متعصبان افرادی هستند که در معجون هولناک وزهری از اعتماد به نفس خود تائید می کنند که همه چیز را می دانند و دسترسی منحصر به فردی به حقایق مطلق دارند، حقایقی که آنقدر کامل هستند که باید آنها را به همه تحمیل کنند. حقایق مطلق که متعصبان به آن چنگ می زنند ممکن است در حوزه های مختلف باشد. افراد متعصب حرف آخر را می زنند، نیازی به بررسی شواهد بیشتر ندارند، و نیازی به تعجب یا تردید دوباره در خودشان ندارند. بنابراین **تعصب** یک ماده مخدر است. در جامعه این مسئله مانند مواد مخدر، افیون یا شراب است و حتی بدتر. افراد متعصب مانند دایم الخمرها که تحت تاثیر مشروبات الکھولی رانندگی می کنند و در بسیاری مواقع برای خود و دیگران خطر دارند، زندگی می کنند. آنها فکر می کنند رانندگی کاملا خوبی دارند در حالیکه یک خطر برای خود و جامعه محسوب می شوند.

همچنان افرادی که نسبت به دیگران و عقایدشان احساسات منفی و متضاد داشته و بر باور و عقیده خویش چسبیده و همه را مردود شمارند متعصبین اند. همچنان متعصبین به خود و خودی‌های افکار خویش احترام، اعتقاد و اعتماد نداشته و پیوسته در خط مقابل آنها سرسختانه در مجادله می‌باشند. رفتار متعصبین نسبت به دیگران دشمنانه بوده ولی در مورد خود بسیار خود شیفتگی داشته همه خطاهای خود را مؤجه دانسته و در ارزیابی خطاهای دیگران چنان مبالغه میکند که آنها را در بسیاری حالات واجب القتل می‌شمارند. این متعصبین در نگاه نخستین نسبت به غیر خودی‌ها نگاه سرد کینه‌توزانه داشته و این پروسه تا خشونت فزینی می‌تواند در تحول و انکشاف باشد. در باره متعصبین، افراط‌گرایان و تأثیرات مرگبار آن در جهان و خاصاً در جامعه بلا کشیده افغانستان ما که بیش از چهار دهه جنگ، برادر کشی، تخریب و ویرانی همه ساختارهای جامعه را پشت سر گذاشته است، بیشترین و خونبارترین مصیبت‌ها را پشت سر گذاشته است. تحلیل وضعیت اجتماعی کشور می‌رساند، که هنوز هم این آفت‌کشنده اجتماعی در میان شماری از مردم و بالاخص در میان عده که خود را روشنفکر و روشنگر جامعه و با القاب علمی هم قلمداد میکنند و اینجا و آنجا بنام دانشمند و تحلیل‌گر قلم‌فرسایی هم میکنند طی هر نوشته‌ای مخالفین نظریاتی خویش را با چنان تعصب کور به نفرین و استهزا می‌گیرند که گویی بار دگر هیتلر و یهودیان در مقابل هم قرار گرفته‌اند. این‌ها که دعوای روشنگری و روشنفکری هم دارند و هر کدام بالنوبه مقالات مبسوطی هم مینویسند، ولی در هر مقاله در عوض وصل مجدد مردم رنج‌دیده و ستم‌کشیده افغانستان، دریافت‌راه‌های اخوت و برادری میان مردم، تقلیل و زدودن مخاصمات و کدورت‌ها و دلجویی و آشتی، پیوسته در پی فصل و تشدید قطب‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی‌اند و القاب را که سازمانهای استخباراتی خارجی برای انقطابات سیاسی - اجتماعی - مذهبی کشور ما در زرادخانه‌هایشان تدوین و استخراج کرده بودند و بوسیله آن جنگ‌های تحمیلی را بر ملت ما تحمیل، مردم ما را قتل‌عام و همه هستی کشور ما را تباه و تاراج کردند، استفاده کرده و مخالفین نظریاتی خویش را که گاهی شامل طیف‌های بزرگ از جامعه می‌گردند بصورت کتلوی مورد نفرین، شماتت، نکوهش و عتاب قرار داده و در هر نوشته‌ایشان در باره هر موضوع و مسئله که مربوط مسایل روز مینویسند و یا اینکه منتظر اند تا یک کلمه و یا جمله در قبال مسایل نفرت‌بار پنج دهه قطب‌بندی‌های سیاسی - اجتماعی گفته شود. آنها سریعاً چون صاحب نظر و (دانشمند) به آن پرداخته و از هر مسیره را کج ساخته با رابطه و بی‌رابطه موضوع را بر می‌گردانند و بر گروه‌هایی از مردم

میتازند و زخم های خونین جامعه را هر روز خراشیده و از خونچکانی آن لذت میبرند. این افراد متعصب که خود را متخصص، دانشمند، داکتر، انجنیر، ژورنالیست، رئیس و وزیر هم مینامند آنقدر با عصبیت کور کورانه در این راه گام بر میدارند که سوال پیدا میشود:

بیش از پنج دهه قتل عام، خون ریزی، تباهی، بر بادی، غلامی و تفرقه ها برای مردم کشور ما بس نیست، هنوز هم ملت را بطرف دشمنی و برادر کشی تحریک میکنید؟ بالای هریک نام گذاری های استخباراتی کرده و ملت را به جان هم می اندازید و خود که در بیشه های آرام امریکا و اروپا لمیده به تماشای جویبار خون ملت افغان نشسته اید. این کور دلان متعصب در حقیقت آنچنان در ضدیت با گروه هایی از مردم کشور قرار گرفته اند که با اسرار و لجاجت تمام گزینه های علمی، منطقی، حقیقی و واقعیت ها را نا دیده گرفته و تنها به باور های خود شان که در زراد خانه های استخباراتی زمان جنگ سرد طراحی شده بود قدسیت قایل اند و تمام اعتقادات و باور های دیگران را مردود می شمارند. غرور و خود بزرگ بینی این افراد که احتمالاً در خانواده های متعصب هم تربیت و پرورش یافته اند هیچ مسئله ای را در چوکات منافع ملی به تحلیل و ارز یابی نگرفته بلکه هر موضوع را از عینک تعصب خویش می بینند. آنها جهان را طوریکه خود شان میخواهند می بینند نه طوریکه وجود دارد. آنها برای خودشان جهانی وابسته، محدود و مختص به خود شان ساخته اند و واقعیت های پیرامون شان را اصلاً نمی بینند. این متعصبین همه امور زنده گی، اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ را با معیار های قهرمانان پوشالی خودشان به سنجه میگیرند. هیچ اندیشه نو و فکری جدید را نمیپذیرند. بناً این متعصبین با تمام قدرت بر علیه هرچه غیر از فکر خود شان است در جنگ وستیز اند و همچنان تلاش بر این دارند تا فکر، باور و اعتقاد شان را همه چشم پوشیده بپذیرند و یا در صورت امکان آنها حتی به زور سرنیزه به مردم می قبولانند. هستند دانشمندان ژرف نگر و وطن دوست که با نگاه ژرف و دانشمندانه در پرتو منافع ملی کشور دوره های مختلف تاریخ کشور را به تحلیل و ارزیابی گرفته، نارسایی ها، کجروی ها، ندانم کاری ها، خیانت ها و جنایات بوقوع پیوسته را با در نظر داشت اوضاع و انکشافات منطقی و بین المللی آنزمان به نقد گرفته و خطوط روشن منافع ملی کشور ما را برای نسل های آینده نشانی میکنند. تا از یکطرف مردم و بالاخص جوانان این نیروی بالنده کشور از جریان انکشافات تاریخ و جامعه خویش آگاهی حاصل کنند و ازطرف دیگر با درس عبرت از تجارب گذشته از تکرار اشتباهات، خیانت ها و کجروی ها برحذر مانند. اما متعصبین سیاه دل و یا آنانیکه نظریات دگم اندیشویی، مذهبی، سیاسی،

ملی، نژادی و یا فرهنگی دارند تمام افراد غیر خود شان و یا غیر همفکر شانرا دشمن مطلق می‌شمارند، دنیای آنها در محدوده ای همان فکر دگم شان محدود میباشد. آنچه در این محدوده خطرات بزرگ و تباهی را متوجه زندگی و امنیت مردم افغانستان میگرداند همانا آشتی نا پذیری این متعصبین با دگر اندیشان در جامعه ما میباشد زیرا این افراد متعصب بسیار خشونت گر، انعطاف نا پذیر و تا سرحد جنون وابسته به یک محدوده ای فکری و مصالحه نا پذیر اند و هر آن آماده اند در راه فکر دگم شان همه آنهاييکه آنچنان فکر نمیکنند نفرین کرده و از میان بردارند. از نظر من این برخورد های تعصب آمیز این گروه کوچکی از متعصبین است که برای بسیاری از مردم خاصاً قشر جوان کشور فضای بی اعتمادی ایجاد کرده و بحران اعتماد را در کشور ما روز تا روز دامن میزند. به همین مناسبت جوانان کشور ما تا کنون نتوانسته اند در فضای اعتماد کامل باورمند نیروی خود گردیده و روش مناسب در راه تحقق منافع ملی کشور اتخاذ بدارند. فرق این متعصبین روشنفکر نما با طالبان، داعشیان و اسلامگرا های افراطی همین است که آنها با استفاده از ظرفیت های نظامی و و لوژستیک کشور های خارجی منجمله پاکستان و ایران در اولین برخورد به محو فزیکي مخالفین شان عمل میکنند و لی این متعصبین روشنفکر نما تخم نفاق و جدایی و مخاصمت در میان مردم میکارند که ثمرش در دراز مدت همان است که گروه های افراطی و داعش انجام میدهد. همین خصوصیت تعصب و افراط گرایی است که کشور ما را زیر سیطره ایدیالوژی های راست و چپ ، مذهبی، سمتی، قومی و زبانی قرار داده و بطرف پرتگاه نیستی میکشاند.

ادامه دارد